

The Role of Hamedan Political Parties and Group in the 1951 Parliamentary Election in Iran

Kaywan Shafei¹ | Abolfath Momen² | Anvar Khalandi³ | SayeidMohammad Sheikhahmadi⁴

Abstract:

Purpose: The movement for nationalization of oil industry spread far beyond the capital, Tehran. The people of Hamedan repeatedly sent telegrams to Ayatollah Kashani and Dr Mossadegh expressing their support for the movement and the government. This article reports these activities and their outcome.

Method and Research Design: Data are extracted from archival documents and library resources.

Findings and Conclusions: Local Khans and their allies pursued different goals from those of the Tudeh Party branch in Hamadan. The clerics of Hamadan, including Ayatollah Bani Sadr and the supporters of the National Front turned to be in sharp disagreement with each other. Even the owners of the newspapers didn't raise one voice. Incapability of the electoral supervisory committee of the city led to the opinion that elections were not held in Hamedan. As a result, the city was unable to have any representative in the Parliament.

Keywords: Hamedan; Nationalization of Oil Industry; Parliamentary Election; 1951; Iran.

Citation: shafei, K., momen, A., Khalandi, A., Sheikhahmadi, S. (1999). Investigating the role of political parties and groups in Hamedan in the 17th parliamentary elections. *Ganjine-ye Asnad*, 31(4), 6-31 | doi: 10.30484/ganj.2021.2737-

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, I. R. Iran, (Corresponding Author)

kaivan_shafei@yahoo.com

2. PhD Student, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, I. R. Iran.

m.abolfath@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, I. R. Iran

a.khalandi@alumni.ut.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, I. R. Iran

modars1980@yahoo.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«124»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2021.2737

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 4, Winter 2022 | pp: 6 - 31 (26) | Received: 27, Jun. 2020 | Accepted: 27, Sep. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

بررسی نقش احزاب و گروه‌های سیاسی همدان در انتخابات مجلس هفدهم

کیوان شافعی^۱ | ابوالفتح مومن^۲ | انور خالندی^۳ | سیدمحمد شیخ‌احمدی^۴

چکیده:

دامنهٔ نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران علاوه بر تهران به شهرهای دیگر از جمله همدان نیز کشیده شد. مردم همدان با ارسال تلگراف به آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بارها حمایت خود را از نهضت ملی‌کردن صنعت نفت و دولت اعلام کردند. در جریان انتخابات دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۰ش در همدان احزاب و گروه‌های سیاسی موافق و مخالف نهضت ملی و دولت حضوری فعال داشتند.

هدف: تحلیل فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی و نتایج حاصل از این مشارکت سیاسی.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای استخراج شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در انتخابات دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی همهٔ احزاب و گروه‌های سیاسی و منتقدین همدان اعم از موافق و مخالف نهضت ملی فعالیت کردند و هرکدام اهداف خاص خود را داشتند. روحانیون و جمعیت طرفداران جبههٔ ملی همدان در این مرحله باهم دچار اختلاف شدند؛ ارباب جراید هم یکدست و همراه نبودند و به دو گروه تقسیم شدند. این دوگانگی و اختلاف احزاب و گروه‌های سیاسی، و قاطع نبودن انجمن نظارت بر انتخابات موجب شد که انتخابات در همدان برگزار نشود و نماینده‌ای راهی مجلس شورای ملی نشود.

کلیدواژه‌ها: همدان؛ نهضت ملی‌کردن صنعت نفت؛ انتخابات مجلس شورای ملی؛ مجلس هفدهم؛ احزاب سیاسی.

استناد: شافعی، کیوان؛ مومن، ابوالفتح؛ خالندی، انور؛ شیخ احمدی، سید محمد. (۱۴۰۰). بررسی نقش

احزاب و گروه‌های سیاسی همدان در انتخابات مجلس هفدهم. گنجینهٔ اسناد، ۳۱(۴)، ۶-۳۱

doi: 10.30484/ganj.2021.2737

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد سنندج، سنندج، ایران.

kaivan_shafei@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

m.abolfath@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد سنندج، سنندج، ایران.

a.khalandi@alumni.ut.ir

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد سنندج، سنندج، ایران.

modars1980@yahoo.com



گنجینهٔ اسناد

«۱۲۴»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکدهٔ اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانهٔ برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2021.2737

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۰ | صص: ۶-۳۱ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۶

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

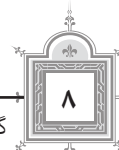
منطقه همدان در سال‌های نهضت ملی کردن صنعت نفت قریب ۴۵۰ هزار نفر جمعیت داشت. اقتصاد این منطقه براساس کشاورزی بود و خوانین در آن نقشی برجسته داشتند. روحانیون بانفوذی همچون آیت‌الله سید نصرالله بنی‌صدر همدانی^۱ و آخوند ملاعلی معصومی همدانی^۲ که با آیت‌الله کاشانی مرتبط بودند در این جمع حضور داشتند. علاوه بر این نباید از فعالیت دیگر گروه‌ها و احزاب سیاسی همچون جمعیت طرفداران جبهه ملی، حزب «زحمتکشان» و حزب «توده» همدان غافل بود.

انتخابات مجلس شورای ملی در دوره هفدهم از بسیاری جهات با سایر انتخابات ایران متفاوت بود: اول به دلیل آنکه این انتخابات زمانی برگزار شد که ایران در مبارزه با انگلیس در موضوع ملی کردن صنعت نفت درگیر بود. دوم آنکه این انتخابات را دولت مصدق برگزار می‌کرد. سوم اینکه همه نیروهای سیاسی سعی داشتند وارد مجلس شوند و در صف نمایندگان درآیند. برگزاری انتخاباتی سالم در این برهه زمانی کار سختی بود. دولت مصدق هیچ نهاد کارآمدی برای نظارت بر انتخابات و جلوگیری از مداخله نظامیان و خوانین محلی در اختیار نداشت. مصدق و جبهه ملی خواهان مجلسی هماهنگ با دولت بودند؛ زیرا مجلس شانزدهم ثابت کرده بود که مجلس می‌تواند مشکل‌ساز باشد. چنان‌که تظاهرات توده‌ای‌ها و زدوخوردها با طرفداران دکتر مصدق در تهران، موجب شد تا نمایندگان اقلیت مجلس شورای ملی دوره شانزدهم در جلسه نوزدهم مجلس از برخورد دولت مصدق با تظاهرات اعضای حزب انتقاد کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۳۶۴). انتقاد نمایندگان باعث واکنش مردم همدان و حمایتشان از دولت ملی و آیت‌الله کاشانی در روز ۲۱ آذر ۱۳۳۰ شد (ساکما، ۲۹۰/۶۱۱۲) و حتی مردم همدان طوماری را در حمایت از آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق امضاء کردند و برای اطلاع نمایندگان به مجلس ارسال داشتند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۲۰۷). در چنین فضایی، انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی در همدان به صحنه رویارویی احزاب و گروه‌های سیاسی-مذهبی تبدیل شد.

در زمینه ملی شدن صنعت نفت تحقیقاتی در سطح ملی انجام شده، ولی درباره شهرستان‌ها تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. درباره شهرستان همدان تنها در کتاب «انقلاب اسلامی در همدان» به نهضت ملی کردن صنعت نفت به صورت کلی اشاره و به جزئیات وقایع از جمله انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی پرداخته نشده است؛ بنابراین جا دارد که در این باره تحقیقی جامع و کامل انجام شود. چنین به نظر می‌رسد که فعالیت ناهماهنگ گروه‌های سیاسی و تلاش صاحبان قدرت برای حفظ منافع و نفوذ

۱. پدر ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور پس از انقلاب اسلامی ایران (مؤمن، ۱۳۹۰، ص ۴۳۹).

۲. آخوند ملاعلی معصومی فرزند محمدابراهیم در سال ۱۳۱۲ ق در روستای وفس همدان متولد شد. نام‌برده تحصیلات حوزوی را در همدان، تهران و قم تکمیل کرد و به همدان برگشت. او در سرام تیر ۱۳۵۷ فوت کرد و مراسم تشییعش در چهارم مرداد به اولین و بزرگ‌ترین تظاهرات همدان علیه رژیم پهلوی تبدیل شد (مؤمن، ۱۳۹۰، ص ۴۴۹).



سیاسی و اقتصادی خود، از تصمیم‌گیری لازم برای برگزاری انتخابات ممانعت کرده‌است. نویسندگان این نوشتار با تکیه بر اسناد و داده‌های تاریخی به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

۱. کدام گروه‌ها و احزاب سیاسی در انتخابات شهر همدان نقش داشته‌اند؟
۲. نحوه تعامل گروه‌ها و احزاب سیاسی و متنفذین در انتخابات مجلس در همدان چگونه بوده‌است؟
۳. انتخابات مجلس هفدهم در همدان چه نتیجه‌ای دربر داشته‌است؟

۲. مبارزات انتخاباتی مجلس هفدهم در همدان

مصدق در آستانه برگزاری انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی فرمانداران، استانداران و رؤسای شهربانی مناطق مختلف کشور را عوض کرد تا شاید از این رهگذر مخالفان را کنترل کند (قشقای، ۱۳۶۶، صص ۲۱۷-۲۲۲). طرفداران خوانین، اشراف و کنسول‌خانه‌های انگلیس در شهرهای بزرگ و استان‌ها با یکدیگر متحد شده بودند و به کانون مبارزات ضد دولتی تبدیل شده بودند؛ هرچند که دولت قبل از انتخابات کنسول‌خانه‌ها را تعطیل کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۲۱۹).

در همدان «رابرت بنر سیمونس»^۱ کارمند بانک شاهی بود و بعداً وارد بازار شد و فعالیت‌های خود را در شرکت سهامی فرش شعبه همدان وابسته به شرکت شرق لندن پی گرفت. او در جنگ جهانی دوم در کسوت ژنرالی انگلیسی فرماندار نظامی همدان شد (مؤمن، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۳)؛ ولی در نهضت ملی کردن صنعت نفت به دنبال اعتراض مردم از همدان اخراج شد (ساکما، ۲۹۰/۶۱۱۲).

احزاب سیاسی با مهیا شدن شرایط در همدان سعی کردند که با افتتاح شعبه و فعالیت تنور انتخابات را گرم کنند. چنان‌که در ۱۲ آذر ۱۳۳۰ عده‌ای با عنوان اصناف، فرهنگیان و جمعیت متمایلین به تشکیل شعبه حزب «زحمتکشان ملت ایران» وابسته به جبهه ملی در همدان، نامه‌ای به مظفر بقایی نوشتند و تأسیس شعبه حزب در همدان را خواستار شدند (ساکما، ۹۱/۲۴۵/۴۶۸). در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۳۰ در سفر بیداریان نماینده دکتر بقایی به همدان شعبه حزب «زحمتکشان» در همدان رسماً افتتاح شد (ساکما، ۲۹۰/۸/۱۲۶/۱). حزب «زحمتکشان» تنها سازمان متشکل در مقابله با نفوذ حزب «توده» بود (شهبازی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۸). با ملی شدن صنعت نفت و تشکیل دولت ملی فضای سیاسی مناسبی برای فعالیت‌های حزبی ایجاد شد. در همین راستا فعالیت حزبی در همدان هم جانی تازه گرفت و فرصتی پیش آمد تا افراد با گرایش‌های سیاسی مختلف به‌طور علنی و در قالب

1. Robert banner simons



احزاب و گروه‌های سیاسی فعال شوند و بر فضای سیاسی و اجتماعی این شهر تأثیر بگذارند.

فرمان انتخابات دوره هفدهم مجلس در ۳۱ شهریور ۱۳۳۰ صادر شد و انتخابات در شهرستان‌ها از اواخر آذرماه به تدریج آغاز شد (صفائی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۶). در همدان هر گروه براساس گرایش‌های سیاسی خود از کاندیدایی خاص حمایت می‌کرد. قشر تحصیل کرده و اصحاب رسانه از حسین یوسفی^۱ و تقی برزین^۲ طرفداری می‌کردند. روزنامه «ندای میهن» از قشر تحصیل کرده و جوان همچون حسین یوسفی حمایت می‌کرد. در ۲۷ دی ماه جلسه مشورتی انتخابات در سالن مهمان‌خانه شفق همدان برگزار شد که بیشتر شرکت‌کنندگان آن فرهنگیان و جوانان روشن‌فکر بودند. پس از بیانات محمود طه‌وری و محمد احقری (از اعضای حزب «زحمتکشان»)، حسین یوسفی به‌عنوان جوان تحصیل کرده و کاندیدای عموم اهالی معرفی شد (روزنامه «ندای میهن»، س ۱، ش ۵۰، ۷ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۲).

روزنامه «فریاد همدان» نیز از حسین یوسفی و تقی برزین حمایت می‌کرد. روزنامه مذکور قبل از بحث در حمایت از کاندیداهای مدنظر سعی کرد که با طرح مباحثی بین رقابت و رفاقت انتخاباتی وحدتی ایجاد کند و هم‌چنین بین رقابت و دشمنی مرزبندی کند و اصولی را به شهروندان متذکر شود: «انتخابات بدون مبارزه لطفی نخواهد داشت. در انتخابات آزاد هرکس می‌تواند فعالیت کند و کاندید داشته باشد و تجمع برگزار نماید؛ اما هیچ‌کس حق ندارد دشمنی درست کند و امنیت را از دیگران سلب نماید و دسته‌جات خطرناک تشکیل دهد و مردم را تهدید کند... کاندیداها باید برنامه‌های خود را به مردم بگویند» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، ص ۱). این روزنامه در شماره بعدی خود به رسالت تاریخی مردم و موقعیت سیاسی و جهانی کشور پرداخت و مردم را به هوشیاری و حراست از دستاوردهای نهضت ملی دعوت کرد: «انتخابات این دوره بسیار مهم است... زمام امور کشور را باید رجال فداکار، شجاع، راست‌گو و آشنا با امور سیاسی در دست داشته باشند تا بتوانند مملکت و ملت را حفظ نمایند. موقعیت کشور ما طوری است که آشکارا بر سر یک دوراهی خطرناک قرار گرفته و اگر کوچک‌ترین اشتباهی بکنیم حریف کهنه‌کار و زخم‌خورده موفق خواهد شد مقدرات ملی ما را باز یجّه مطامع خویش سازد... در شهر ما نیز بایستی توسط نمایندگان دل‌سوز محلی پایه اصلاحات اساسی ریخته شود... ای مردم رنجبر و زحمتکش! فریب بعضی تظاهرات را نخورید» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۱، ۱۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۱).

۱. حسین یوسفی فرزند میرزا کریم خان همدانی در ۱۲۹۴ ش متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات، در ۱۳۱۸ به استخدام وزارت دارایی درآمد. مشاغل او عبارت بوده از: مدیرکل بودجه، خزانه‌دار کل، مدیرکل دارایی ارتش، بازرس دولت در بانک ملی، بازرس دولت در شیلات و مشاور عالی وزارتی (نظری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱۹).

۲. تقی برزین فرزند محمدعلی در سال ۱۲۷۳ ش در همدان به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات قدیم به استخدام دادگستری درآمد و در دوره پانزدهم از همدان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد (کلام، ۱۵/۵۲).



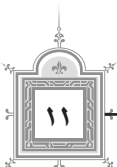
بدین ترتیب می‌توان گفت کاندیدای مدنظر جراید همدان حسین یوسفی و تقی برزین بودند. این نکته در اعلامیه مدیران جراید همدان از جمله حسینی داور مدیر روزنامه «تاریخ»، به‌مرام مدیر روزنامه «فریاد همدان»، غفاری مدیر روزنامه «نهیب» و سالمی مدیر روزنامه «مبارز همدان» منعکس شده بود (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۱، ۱۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۲). این افراد هیچ نوعی وابستگی به خوانین و کانون‌های قدرت محلی نداشتند و از سابقه خوب و روشنی برخوردار بودند.

تقی برزین با صدور بیانیه‌ای درباره علت مشارکت خود در انتخابات، بر آزادی انتخابات براساس اهداف دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی تأکید کرد: «بنده برحسب دعوت همشهریان عزیز برای شرکت در انتخابات دوره هفدهم تقنینیه به همدان آمدم... از دوستان تقاضا دارم از آزادی انتخابات که مورد توجه کامل نخست‌وزیر و آیت‌الله کاشانی می‌باشد حداکثر استفاده را بنمایند» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، ص ۴). اکثر جراید، آزادی خواهان و طرفداران جبهه ملی از حسین یوسفی و تقی برزین حمایت می‌کردند؛ ولی عده‌ای مخالف در فضای انتخاباتی عملکرد تقی برزین در مجلس پانزدهم را به نقد کشیدند. یکی از این انتقادات واگذاری امتیاز تأسیس کارخانه قند به شهرستان رضائیه بود که باعث واکنش برزین شد. او در روزنامه «فریاد همدان» اعلام کرد: «ناگزیریم جریان اقدامات خود را به اطلاع عموم برسانم. در آن زمان دولت برای تهیه طرح حتمی و تعیین قطعی محل نصب کارخانه‌جات، چند دسته مهندس و متخصص به نقاط مختلف کشور من جمله همدان اعزام داشت تا استعداد هر محل را از لحاظ فنی و آب‌وهوا و مقتضیات محلی در نظر گرفته نقشه و گزارش‌های لازم را تهیه نمایند... به اتکای نظریه فنی، متخصصین «همدان» را در درجه چهارم تشخیص داده و بدین لحاظ «رضائیه» را برای این کار مناسب‌تر دانستند» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۱، ۱۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۲). بدین ترتیب برزین ضمن شفاف‌سازی و دفاع از عملکرد خود، از رکن چهارم مخالفان مناظره کند. این موضوع اهمیت جایگاه مطبوعات در این دوره را نشان می‌دهد.

روزنامه «ناطق»، ارگان دیگر جبهه ملی همدان، برخلاف مطبوعات مسیر دیگری را برگزید و از کاندیدایی مخبر فرهمند^۱ و ضیاءالملک فرمند^۲ حمایت کرد؛ درحالی‌که عملکرد نمایندگی مخبر فرهمند و فرمند مورد نقد بود. روزنامه «فریاد همدان» با مقاله «چرا با وکالت ضیاءالملک فرمند و مخبر فرهمند موافق نیستیم؟» این نقد را کلید زد و به دلایل زیر آن‌ها را فاقد صلاحیت نمایندگی مردم همدان در مجلس شورای ملی دانست: «ضیاءالملک فرمند از خوانین و اشراف هستند و ارتباطی با مردم نداشته و به فرد و دسته‌ای

۱. حسن مخبر فرهمند ملقب به مخبر حضور فرزند حسین کریم سلطان در سال ۱۲۶۲ ش در همدان متولد شد و از مدرسه دارالفنون تهران دیپلم گرفت و در وزارت پست و تلگراف استخدام شد. در دوره ششم و هفتم مجلس شورای ملی از همدان نماینده مجلس شد. در ادوار دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم از ملایر و تویسرکان به نمایندگی انتخاب شد. در ادوار چهاردهم و شانزدهم دوباره مردم همدان او را به مجلس فرستادند (سهرابی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

۲. حسن علی‌خان ضیاءالملک فرمند سومین فرزند حسین علی‌خان امیرتومان بود. وی در سال ۱۳۲۴ ق در سوئیس رشته فلاحیت را خواند و وارد سیاست شد. او در دوره‌های پنجم و ششم مجلس شورای ملی یکی از دو نماینده همدان بود. او یکی از پنج نماینده همدان در مجلس مؤسسان در سال ۱۳۰۴ ش هم بود. در دوره چهاردهم مجلس بازم نیز نماینده همدان شد (ادکایی، ۱۳۶۷، ص ۹).



خاص وابسته‌اند و دارای عملکرد بدی در تبلیغات هستند؛ بنابراین فاقد صلاحیت بوده و نمی‌توانند نماینده مردم مظلوم باشند. مخبر فرہمند نماینده دوره شانزدهم مجلس شورای ملی [ہم] به علت غیربومی بودن، [و بودن] از موافقین قرارداد ننگین ۱۹۳۳م در مجلس، و دادن اخبار و اطلاعات اداری - حکومتی و شهری به ژنرال دانسترویل^۱ فرمانده نیروهای انگلیسی در ہمدان در جنگ جهانی اول در جایگاه ریاست اداره پست و تلگراف خانہ ہمدان، و تباہی با نظامیان در انتخابات نمایندگی دوره نهم مجلس، و در نہایت به علت ایجاد اختلاف در ہمدان فاقد صلاحیت برای کاندیداتوری هستند» (روزنامہ فریاد ہمدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بہمن ۱۳۳۰، ص ۴). حسینی داور با معرفی مخبر فرہمند بہ عنوان «تلفن چی انگلیس» مطلب مذکور را تکمیل و تأیید کرد (روزنامہ تاریخ، س ۱، ش ۱۵، ۷ بہمن ۱۳۳۰، ص ۳).

مطبوعات کہ اکثراً از طرفداران نہضت ملی بودند از کاندیداتوری حسین یوسفی و تقی برزین (از طرفداران نہضت ملی)، بہ عنوان افراد جوان، تحصیل کرده و آزادی خواه حمایت کردند. آن‌ها از فضای باز سیاسی و استقبال مردم استفاده کردند و بہ عنوان رکن چہارم دمکراسی بہ خوبی با دادن اطلاعات، و معرفی و نقد عملکرد کاندیدہا بہ وظیفہ خود عمل کردند. مطبوعات ضمن آشنا کردن مردم با موضوعات تازہ، خواستہ‌های جدیدی را از جانب افکار عمومی مطرح کردند: ارائه برنامه از سوی کاندیدہا؛ رعایت نظم و امنیت در جامعہ در فضای انتخاباتی؛ توجہ بہ مصالح ملی و دشمن خارجی در فعالیت‌های تبلیغاتی؛ و انتخاب افراد شجاع و مناسب با مقتضیات روز بہ دوراز ہرگونہ تعصبات قومی و قشری برای نمایندگی مجلس شورای ملی.

ملاکان و عدہ‌ای از بازرگانان از مخبر فرہمند و ضیاءالملک فرمند حمایت می‌کردند. مخبر فرہمند بہ اتفاق فرمند در ۱۳ آذر ۱۳۳۰ بہ اتاق بازرگانی ہمدان رفت و در حضور بازرگانان بہ موضوع انتخابات دورہ ہفدہم مجلس شورای ملی اشارہ کرد و گفت: «... در مورد انتخابات نیز بہ طرز رفتار نمایند کہ وطن پرستی خود را بہ اثبات رسانید، چون بندہ نظری در این بارہ ندارم؛ ولی لازم می‌دانم آقای ضیاءالملک فرمند را کہ از خوانین و اشراف محترم این شهرستان هستند برای انتخابات معرفی کنم» (ساکما، ۹۱/۲۴۷/۳۵۶). فرمند ہم اظہار داشت کہ تا مجلس اصلاح نشود اوضاع بہ همین منوال خواهد بود. او در پایان سخنانش، خود و مخبر فرہمند را برای نامزدی دورہ ہفدہم مجلس معرفی کرد (ساکما، ۹۱/۲۴۷/۳۵۶). در واقع هدف این دو از آمدن بہ این جمع، معرفی و اعلام حمایت از یکدیگر و کسب پشتیبانی بازرگانان بود. آن‌ها از بازرگانان خواستند کہ در این زمینہ ہماہنگ عمل کنند؛ و در ضمن خود را طرفدار نہضت ملی و دولت معرفی کردند:

1. Dunsterville



«... در صورت همکاری مردم با نمایندگان طرفدار جبهه ملی، خواست اهالی مورد توجه قرار می‌گیرد...» (ساکما، ۹۱/۲۴۷/۳۵۶).

اتاق بازرگانی همدان ضمن اتخاذ رویه‌ای واحد با انتشار اعلامیه‌ای نظر خود را به اطلاع اهالی رساند و از آنان خواست که از مخبر فرهمند و ضیاءالملک فرمند حمایت کنند (ساکما، ۹۱/۲۴۵/۱۶۷). در حالی این حمایت‌ها از مخبر فرهمند انجام می‌شد که دکتر مصدق در شورای امنیت سازمان ملل از اسنادی پرده برداشت که از حمایت شرکت سابق نفت در انتصاب فرهمند به نمایندگی همدان در دوره نهم مجلس شورای ملی حکایت داشت (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۹، ۳ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۴). بدین ترتیب می‌توان گفت که مخبر فرهمند با حمایت خوانین و شرکت نفت وارد مجلس شده بود و به همین دلیل طرفداران جبهه ملی و جراید همدان او را با خوانین و بیگانگان مرتبط و فاقد صلاحیت می‌دانستند. چنین به نظر می‌رسد که اتاق بازرگانی و تجار و بازاریان عمده -که با اعیان و اشراف مراوده داشتند- از مخبر فرهمند و فرمند حمایت می‌کردند تا بتوانند موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کنند. در حالی که پیشه‌وران و صنوف دیگر با فعالیت در سازمان جوانان بازار و دسته‌جات مذهبی از خواسته‌های طرفداران نهضت ملی حمایت می‌کردند.

۳. روحانیون همدان و انتخابات

مردم همدان روحانیونی چون، علی شمس حائری زنجانی، سید نصرالله بنی‌صدر و... را که به نوعی نمایندگان آیت‌الله کاشانی بودند، رهبر خود می‌دانستند. روحانیون همدان با صدور اعلامیه‌ای در ۲۳ دی ۱۳۳۰ سعی کردند حساسیت زمانی جامعه ایران و شرایط نمایندگان را به مردم یادآور شوند: «دوره هفدهم مجلس شورای ملی که مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های مجلس شورا است و حفظ استقلال مملکت و دیانت اسلام و نوامیس الهیه مربوط و منوط به صالح‌بودن نمایندگان این دوره است؛ لذا بر هر فردی از افراد مسلمین واجب و لازم است که سعی بلیغ^۱ در انتخاب نماینده خودشان بنمایند که شخص متدین و علاقه‌مند به وطن و دیانت به مجلس شورای ملی اعزام گردد...» (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۱۹۴).

در فعالیت‌های انتخاباتی، عده‌ای سعی کردند که کاندیداهای خود را نامزدهای مدنظر دولت و آیت‌الله کاشانی معرفی کنند که با واکنش‌هایی از سوی طرفداران جبهه ملی و جراید همدان مواجه شدند. روزنامه «فریاد همدان» در این باره نوشت: «... هر کس کاندیدای خود را کاندیدای دولت معرفی نماید، علناً به دکتر مصدق خیانت کرده؛ چراکه لیست تنظیم کردن و در انتخابات دخالت کردن در شأن مصدق نیست. هیچ‌کس هم حق ندارد

۱. بلیغ: کامل+

خود را کاندیدای جبهه ملی معرفی نماید. این نکته را حسین مکی دبیر جبهه ملی طی اعلامیه‌های متعدد و تماس با مطبوعات کراراً اعلام نموده‌است. حضرت آیت‌الله کاشانی نیز هیچ‌کس را توصیه نکرده‌اند» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۹، ۳ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۴). آیت‌الله کاشانی در ۲۹ دی ۱۳۳۰ طی تلگرافی به آیت‌الله بنی‌صدر و حجت‌الاسلام حائری درباره آزادی و اهمیت انتخابات این دوره مجلس نوشت: «... این جانب مطلقاً نظر خاصی به فرد معین نداشته. ولی کمال علاقه را دارم که علاقه‌مند به اصول دینت و استقلال کشور به مجلس روند؛ زیرا در مجلس هفدهم سرنوشت کشور باید تعیین شود و به‌منظور کمک فکری و ارشاد اهالی ثقة‌الاسلام اسلامی عازم همدان خواهند [شد]» (ساکما، ۲۹۰/۹۶۱۱). آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از هرگونه تفرقه از روحانیون خواست که به‌اتفاق مردم افرادی را معرفی و به‌عنوان نماینده انتخاب کنند و از معرفی هر شخصی که موجب اختلاف در میان مردم شود خودداری کنند.

روزنامه «ندای میهن» با چاپ تلگراف آیت‌الله کاشانی مطالبی را به مردم و روحانیون متذکر شد: «... برحسب دستور و توصیه آیت‌الله کاشانی کسی حق تحمیل عقیده خود را بر اهالی نداشته و از این به بعد تبلیغات انتخاباتی در محیط و مجامعی صورت خواهد گرفت که به‌دوراز هرگونه دسته‌بندی غیرقانونی بوده و کلیه طبقات آزادانه حق اظهار رأی و تبادل افکار [را] در تبیین کاندیدای موردتوجه خواهند داشت» (ساکما، ۲۹۰/۹۶۱۱).

در ۱ بهمن ۱۳۳۰ شیخ عباس علی اسلامی نماینده آیت‌الله کاشانی در میان استقبال مردم و شیخ علی شمس حائری به همدان وارد شد (مؤمن، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱۲). اسلامی در منزل شمس حائری اسکان گزید و روز بعد عده زیادی از علما، اعیان، مالکان، تجار و کسبه برای دیدار با او در منزل شمس حائری جمع شدند. در این هنگام گروهی که احمد زهره و محمدمهدی مقدس^۱ رهبری‌شان می‌کردند وارد شدند و با اسلامی به مجادله پرداختند: «... محمدمهدی مقدس خطاب به اسلامی اظهار داشت که مقصود شما از آمدن به همدان چیست؟ اسلامی در جواب گفت: طبق دستور آیت‌الله کاشانی برای ارشاد مردم به همدان آمده و کاندید و کالت نبوده و کسی را هم به این منظور معرفی نخواهم کرد و حضرت آیت‌الله کاشانی هم نظر به افراد معینی ندارند و نباید کاندیدایی هم به نام ایشان به مردم معرفی شود؛ بلکه باید روحانیون و اهالی شهر به‌اتفاق نظر خود دو نفر را معرفی و حمایت نمایند و هرگونه اختلاف در این زمینه به نفع دشمن است. در این هنگام محمدمهدی مقدس اعلام کرد که آن‌ها طبق قطعنامه‌ای که در منزل سیداحمد حسینی به امضاء رسانیده‌اند نمایندگان خود را که ضیاءالملک فرمند و مخبر فرهمند بودند انتخاب کرده‌اند» (ساکما، ۹۱/۲۴۵/۱۶۷). مقدس قطعنامه مزبور را قرائت کرد که موجب اعتراض

۱. این دو از بازاریان همدان و از طرفداران مخبر فرهمند بودند.



حضر شد و مجلس متشنج شد. حاج میرزا علی اصغر شفیعی برای آرام کردن مجلس اظهار داشت که بهتر است درباره انتخابات بحثی نشود؛ چراکه مجلس فقط برای دیدار با ثقة الاسلام اسلامی است؛ ولی حسین خلیلیان به او اهانت کرد. در نهایت محمدباقر مقصودی به اسلامی اظهار داشت: «از همان راهی که آمدی باید برگردی. تو جاسوس انگلیسی‌ها هستی. تو از آن‌ها پول گرفته‌اید [گرفته‌ای]» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۴). اسلامی برای آرام کردن مردم و پایان دادن به مناقشات به تلگرافخانه راهی شد و پس از کسب تکلیف از آیت الله کاشانی، در سوم بهمن ماه از منزل آخوند ملاعلی همدانی به طرف تهران رهسپار شد (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۴). اسلامی در این مدت به جز دیداری که با مردم داشت و ملاقاتی که با آیت الله آخوند به عمل آورد، نتوانست اقدام دیگری انجام دهد. او در نهایت با اجازه آیت الله کاشانی و هدایت آیت الله آخوند که از محیط همدان شناخت کامل داشت، به تهران بازگشت.

باتوجه به معرفی فرمند و مخبر فرمند از سوی جمعیت مهاجم به منزل حائری، می‌توان به ماهیت و اهداف آن‌ها پی برد. افراد مزبور همان گروهی بودند که با فرمند و مخبر فرمند در اتاق بازرگانی جلسه گذاشته بودند و در حمایت از آن‌ها اعلامیه صادر کرده بودند (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۶). آیت الله کاشانی در نهایت باتوجه به شرایط پیش آمده حجت الاسلام اسلامی را برای جلوگیری از ایجاد اختلاف در همدان به تهران فراخواند.

با تلاش مجدانه کاندیداها برای منتسب کردن خود به دولت و آیت الله کاشانی، در ۸ بهمن ۱۳۳۰ هیئتی مرکب از عبدالله حاجی‌لو از طرف روزنامه‌نگاران، محمود طهوری از سازمان جوانان بازار، و حجت الاسلام حاجی میرزا علی اصغر شفیعی از طرف روحانیون همدان برای ملاقات و کسب تکلیف از آیت الله کاشانی به تهران رهسپار شدند. در این ملاقات آیت الله کاشانی خطاب به آن‌ها گفتند: «اراده ملت باید حاکم بر مقدرات مملکت باشد. برای رسیدن به هر هدف مبارزه لازم است. بروید مبارزه کنید، حتماً پیروز خواهید شد. مطمئن باشید هیچ نیرویی قادر به جلوگیری شما نخواهد شد. اسلحه شما در مقابل تهدیدات مخالفین حق و حقیقت است و اطمینان داشته باشید که حق و حقیقت همواره پیروز خواهد شد» (دهنوی، ۱۳۳۳، ج ۵، ص ۱۵۸). سپس عبدالله حاجی‌لو بیانیه‌ای را که ارباب جراید همدان منتشر کرده بودند به آیت الله کاشانی ارائه کرد. ایشان با مطالعه اعلامیه اظهار داشت: «امیدوارم از این اتحاد و اتفاق شما به نفع و صلاح جامعه استفاده شود» (دهنوی، ۱۳۳۳، ج ۵، ص ۱۵۹). در پایان حجت الاسلام شفیعی با ارائه گزارشی انتخاباتی

خطاب به آیت‌الله کاشانی گفتند که اخیراً در همدان ضیاءالملک فرمند و مخبر فرهمند را به نام کاندیداهای حضرت عالی معرفی و بدین وسیله مردم را اغوا کرده‌اند، استدعا دارم نظر خود را بیان فرمایید. آیت‌الله کاشانی گفتند: مطلب را در قالب سؤال مکتوب بنمایید. شفیع نیز چنین نوشت: «حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای کاشانی دامت برکاته. به عرض می‌رساند اخیراً شهرت داده‌اند که دو نفر از کاندیداهای همدان مورد نظر حضرت آیت‌الله هستند و مردم را اغوا نموده‌اند؛ معین فرمایید آیا قضیه صحت دارد؟». آیت‌الله کاشانی نیز کتباً پاسخ داد: «این جانب جز آزادی انتخابات منظوری ندارم. کسی هم کاندیدم در همدان نیست» (دهنوی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۶۰).

آیت‌الله کاشانی در تلگرافی به حجت‌الاسلام حائری درباره موقعیت حساس کشور تأکید کردند که حفظ وحدت از وظایف مردم و روحانیون است (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۱۹۳). حجت‌الاسلام حائری نیز براساس تلگراف آیت‌الله کاشانی، اعلامیه‌ای خطاب به مردم همدان مبنی بر حفظ وحدت و شرکت در انتخابات صادر کرد: «... همان طوری که حضرت آیت‌الله کاشانی تذکر داده‌اند هر اختلافی به ضرر دین و کشور تمام خواهد شد. از تولید تشنج خودداری نموده و روح وحدت را در بین خود ایجاد و حفظ نمایید... با کمال هوشیاری در انتخابات شرکت کنید و به اشخاص مورد اعتماد خود بدون ایجاد کمترین تشنجی رأی دهید و در تمام موارد مصالح دین و مملکت را از نظر دور ندارید. از عموم ارباب جراید... انتظار دارم با در نظر گرفتن وضع کشور مردم را به اتحاد دعوت و از درج مطالبی که کوچک‌ترین لطمه‌ای به نظم اجتماع وارد نماید خودداری فرمایند» (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۱۹۳).

روحانیون همدان پیرو آیت‌الله کاشانی بودند: «آیت‌الله آخوند همدانی و بنی صدر از آیت‌الله کاشانی طرفداری می‌کردند و حرف‌های ایشان را همیشه می‌گفتند؛ ما هم پیرو آن‌ها بودیم» (مصاحبه با حسینی ملایری، ۱۳۷۸/۷/۲۰). حجت‌الاسلام حسینی ورکانه در این باره می‌گوید: «ما توی هیئت‌ها و اجتماعات شرکت می‌کردیم و گاهی آقایان باتوجه به جوان بودن ما برای نمک آشنان از بنده می‌خواستند که سخنرانی کنم» (مصاحبه با حسینی ورکانه، ۱۳۷۸/۷/۲۰). این که چرا شایعه حمایت آیت‌الله کاشانی از مخبر فرهمند و فرمند پیش آمد، شاید به دلیل عملکرد جانب‌دارانه آیت‌الله بنی صدر از افراد مذکور در همدان بود. روزنامه «مبارز همدان» در مقاله‌ای به قلم ع. وهاب‌زاده از آیت‌الله بنی صدر به دلیل حمایت از مخبر فرهمند به شدت انتقاد کرد: «... آقای بنی صدر از روزی که جوانان همدان از خواب بیدار گشته و با طلوع انتخابات مصمم به دخالت در سرنوشت خود شدند، معدودی ماجراجو با انتساب خویش به شخص شما آنان را با نیش چاقوی ناجوانمردانه



می‌هراسانیدند... [و] خانه شما را ملجأ و پناهگاه خویش ساخته و با اعمال ناشایست خود دامن شما را لکه‌دار نمودند. آقای بنی‌صدر انصاف دهید آیا شایسته بود که وجهه شما آلوده اغراض دیگران شود؟... شما با صدور اعلامیه‌های متعدد عدم دخالت خود را در انتخابات کراراً گوشزد فرمودید؛ ولی متأسفانه رفتار شما مخالف مفاد اعلامیه‌های صادره بود» (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۸، ۱۸ فروردین ۱۳۳۱، ص ۴).

آیت‌الله بنی‌صدر درمقابل این مطالب اعلامیه‌ای صادر و از خود چنین دفاع کرد: «... در سیاست عمومی کشور که این‌جانب هیچ‌وقت دخالتی نداشتیم. فقط [در] ادوار اخیر انتخابات همدان با فشار و تقاضای اهالی برای مصلحت هم‌شهریان دخالت‌هایی کردم که اقلأً وکلایی که ضررشان کمتر باشد و کمتر به مردم این شهرستان اذیت کنند انتخاب شوند. مخصوصاً در دوره هفدهم در تهران بودم و قصد نداشتم شرکت کنم، ولی تجار و اصناف این شهرستان با تلگرافات زیادی احضارم کردند. آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق هم با اصرار و تأکید زیادی خواهش می‌کردند این‌جانب به همدان آمده در انتخاب کاندیداهای ملی مساعدت کنم؛ ناچار پذیرفته و آمدم. پس از تحمل خسارات زیاد و زحمات خسته‌کننده که بالاخره هم نتیجه گرفته نشد بلکه روح این‌جانب افسرده و بدنم کوفته شد...» (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۴۸۴). باتوجه به متن این اعلامیه می‌توان گفت که به اعتقاد آیت‌الله بنی‌صدر انتخاب بین خوب و بد نبوده، بلکه بین بد و بدتر بوده است. ایشان کاندیداهای مورد حمایت خود را طرفداران نهضت ملی معرفی کرد. در نتیجه می‌توان گفت که به چند دلیل این اتهامات متوجه آیت‌الله بنی‌صدر بود: ایشان با مخبر فرهمند از زمان مسئولیتش در تلگراف‌خانه همدان ارتباط و همکاری داشت: «... مخبر فرهمند دوست پدرم بود. او در همدان در یکی از خانه‌های پدرم زندگی می‌کرد» (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، ص ۲۴). آیت‌الله بنی‌صدر با ضیاءالملک فرمند نیز رفاقتی دیرینه داشت. آیت‌الله بنی‌صدر از آنجاکه از روحانیون متمنغذ و متمول همدان بود، از اعتبار خاصی برخوردار بود و در بین بازار و مذهبیون طرفدارانی داشت. ایشان با داشتن چندین پارچه آبادی در شمار ملاکان بود و می‌بایست برای حفظ موقعیت اقتصادی خود با خوانینی همچون فرمند همراه باشد تا بتوانند اوضاع را کنترل کنند که رعایا با تبلیغات حزب «توده» و لایحه ازدیاد سهام کشاورزان بر او و خوانین شورانده نشوند (مؤمن، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰۲). باینکه آیت‌الله کاشانی در تلگراف‌ها و نامه‌های خود آیت‌الله بنی‌صدر را خطاب قرار می‌داد و خواهان همکاری او در راستای برنامه‌های جبهه ملی بود، ولی بنی‌صدر نه تنها از نماینده آیت‌الله کاشانی (عباس‌علی اسلامی) استقبالی نکرد، بلکه اصلاً به هدف و برنامه او در همدان توجهی نکرد و در واقع به آنچه که صلاح دید موقعیت محلی خودش بود عمل کرد.

بین روحانیون همدان از جمله آیت الله ملا علی آخوند و آیت الله بنی صدر در نهبان رقابتی در جریان بود. آیت الله بنی صدر همیشه مصمم بود که فرد اول صحنه سیاست و اجتماع باشد و این انگیزه تاندازه‌ای در جهت گیری او مؤثر بود. برخلاف آیت الله بنی صدر، تعدادی از روحانیون از حسین یوسفی حمایت می‌کردند؛ از جمله حجت الاسلام بهاء الدین انواری. البته شخصیت‌های دیگر چون علی شمس حائری و آیت الله آخوند با پیروی از منویات آیت الله کاشانی رویه بی‌طرفی را در پیش گرفتند. بدین ترتیب روحانیون همدان با وجود اینکه خود را پیرو آیت الله کاشانی می‌دانستند، ولی بنابه دلایل اقتصادی و اجتماعی عملکردی متفاوت داشتند.

۴. جمعیت طرفداران جبهه ملی و انتخابات

جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان در ۱۴ خرداد ۱۳۳۰ با اجتماع بازاریان، احزاب طرفدار نهضت ملی، سازمان جوانان بازار همدان، هیئت‌های حسینی‌ها و کامیون‌داران و با قرائت پیام آیت الله بنی صدر در میدان مرکزی شهر تشکیل شد و هیئت مدیره موقت آن انتخاب شد (ساکما، ۲۹۰/۱۱/۵۵/۷). این جمعیت مخالفت خود را با ضیاء الملک فرمند، مخبر فرهمند و غلام حسین امیری قراگوزلو اعلام کرد. چنان‌که علی پوینده، رئیس سازمان جوانان بازار همدان، در مجلسی تبلیغاتی که مخبر فرهمند هم حضور داشت اظهار کرد: «ما باید از این به بعد به وکالت و کلایی که تا به حال به اتکاء آراء دهات و کیل می‌شدند خاتمه دهیم. منظور او مخبر فرهمند، ضیاء الملک فرمند و امیری قراگوزلو بود. مخبر فرهمند که در جمع حضور داشت با شنیدن این سخنان بسیار عصبانی شد و در پاسخ گفتند: شما کاغذها نوشتید و تلگراف کردید که بیا، من هم آمدم، اگر نمی‌خواهید می‌روم» (ساکما، ۲۹۰/۱۱/۴۴).

حسن بقاء با صدور اعلامیه از طرف سازمان جوانان مبارز اصناف همدان، ضمن مخالفت با کاندیداتوری ضیاء الملک فرمند، مخبر فرهمند و امیری قراگوزلو در قالب طنزی سیاسی در قسمت اول اعلامیه، آن‌ها را مالکینی دانست که از چارچوب سخنرانی پیشتر نمی‌روند و بیشتر دغدغه اداره املاک خود را دارند و در ادوار پیشین هیچ عملکرد مثبتی برای مردم نداشته‌اند و فقط در فکر منافع خود بوده‌اند (ساکما همدان، ۹۱/۲۴۵/۴۶۸).

سازمان جوانان بازار همدان در بیانیه ۱۰۱ خود در نقد عملکرد مخبر فرهمند و امیری قراگوزلو نوشت: «آنان جابرا نه بر مردم فرمانروایی می‌کردند. برای بقای خویش کرسی‌های مجلس شورای ملی را سالیان دراز در اختیار گرفتند. هم‌اکنون این افراد می‌کوشند که دوباره صندلی‌های مجلس را برای دو سال دیگر غصب کنند. به همین منظور ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ با تشکیل جلسه و انجمن‌ها قصد دارند با نظر مردم شهر

۱. غلام حسین امیری قراگوزلو فرزند محتاج‌علی خان در سال ۱۲۸۸ ش در همدان متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همدان به اتمام رساند و تحصیلات خود را در کالج آمریکایی بیروت ادامه داد و در رشته حقوق دانش‌نامه گرفت. او پس از بازگشت به ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس استخدام شد و در مجلس شانزدهم نماینده همدان شد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۹).



مخالفت نموده و با تراشیدن کاندید از منافع خود محافظت کنند. امیری قراگوزلو یکی از کاندیدها با انتشار بیانیه به شرح خدمات خود پرداخته [است]. آری کشوری که به مجلس آن به جای خدمت گزاران ملت دشمنان مملکت روانه می‌شوند، همه چیز وارونه جلوه‌گر می‌شود. خیانت‌ها را خدمت و بی‌عرضگی‌ها را لیاقت نام می‌نهند. اما او که از مدیری شرکت سابق نفت به طرز مرموزی نماینده تحمیلی همدان شده بود، هیچ سودی برای ملت و مملکت نداشت و بیشتر عمر و کالتش را در لندن گذراند؛ در حالی که خود را خدمت‌گزار ملت می‌خواند» (ساکما، ۲۹۸/۰۰۷۰۸).

جمعیت طرفداران جبهه ملی علاوه بر بیانیه، در نشریات هم به معرفی و نقد عملکرد کاندیدهای خوانین پرداخت. درباره امیری قراگوزلو آمده بود که او با کمک هژیر و رزم‌آرا به مجلس شانزدهم راه یافته یا به عبارتی منصوب شده است (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۲، ۱۷ آذر ۱۳۳۰، صص ۱ و ۴).

سازمان جوانان بازار علاوه بر حمایت از کاندیدهای خود (حسین یوسفی و تقی برزین) به مندرجات مطبوعات دیگر جواب می‌داد و یا در مقابل اعلامیه‌های دروغی که به اسم این سازمان برای بدنامی آنان صادر می‌شد، متناسب با مطالب مطرح شده جوابیه‌هایی را تهیه و منتشر می‌کرد. در یکی از این بیانیه‌ها مواردی ناصواب به سازمان جوانان بازار همدان نسبت داده بودند و کاندیدهای رقیب را نقد کرده بودند. سازمان با نشر اعلامیه‌ای در روزنامه «مبارز همدان» به این بیانیه چنین پاسخ داد: «چرا بیانیه بدون امضاء و نام نماینده سازمان چاپ شده؟! این امر هم به خوبی واضح است، زیرا اصل موضوع دروغ و جهل است؛ چون همان شخص جاعل برای تأثیر گذاری بر اذهان مردم متوسل به جعل این عنوان شده است» (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۶، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۰، صص ۱-۲). سازمان پس از اثبات جعل بیانیه به نقد مطالب آن پرداخت و از متن آن برای بیان حقایق بهره گرفت: «چندی است که کاندیدهای آقایان به تهران رفت و آمد می‌کنند؛ به ظاهر به عنوان رفع کسالت و خستگی، ولی باطناً از ترس مفتضح شدن است» (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۶، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۰، صص ۱-۲). بیانیه در ادامه به شام و نهار دادن کاندیدهای رقیب -مخبر فرهمند، فرمند و امیری قراگوزلو- اشاره می‌کند که به قصد تحصن در مسجد کولانج بوده است و اعلام می‌کند که برخلاف بیانیه، کاندیدهای مذکور که از قدرت مالی نامشروع زیادی هم برخوردار هستند در خرید اوراق قرضه ملی هیچ اقدامی نکرده‌اند؛ چراکه اگر غیر این بود در اعلامیه و در رادیو همدان اعلام می‌کردند. در حالی که کاندیدهای مدنظر سازمان با مختصر بضاعت خود بیش از دیگران اوراق قرضه ملی خریداری کرده‌اند (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۶، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۰، صص ۱-۲).

بدین ترتیب می‌توان گفت که سازمان جوانان بازار همدان ضمن حمایت از کاندیداهای مدنظر خود و تقبیح عملکرد و روش هواداران مخبر فرهمند، فرمند و امیری قراگزلو از رویکرد آنها به سیاست اجتماعی و اقتصادی - که هیچ نوع همراهی با دولت در آن نبود - انتقاد کرد. سازمان در ادامه افزود: آنها برای تحت فشار گذاشتن رقبا و پیش بردن اهداف خود سعی کردند با دادن شام و نهار، در مسجد کولانج تحصن برگزار کنند (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۱۶، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۰، صص ۱-۲).

علاوه بر کنش‌ها و واکنش‌های مذکور، رهبران محلی جبهه ملی در همدان درباره بعضی از اعلامیه‌ها و حمایت‌ها اعلام خطر کردند؛ از جمله سید کاظم حسینی داور در بیانیه‌ای نوشت: «به حجج الاسلام بگویند برای حفظ حیثیت و آبروی اسلام باید از نزدیکی با عناصر [ی] که سرسپردگی آنان به اجانب مسلم است احتراز بفرمایند... با کمال تأثر دیروز در شهر اعلامیه‌ای منتشر گردید که متأسفانه امضای بعضی که مورد احترام ما می‌باشند در زیر آن مشاهده گردید... مردم هوشیار دیگر اجازه نخواهند داد که منفعت طلبان آنان را به نام «الاغ» برای سواری خود آماده سازند و به استقبال سید نصرالله بنی صدر ببرند... از جوانان غیرتمند همدان، روشن‌فکران، آزادی‌خواهان و سایر اصناف و بازرگانان می‌خواهیم که این بار نیز مردانه و متهورانه در مقابل اجانب ایستاده و برای همیشه به این مسائل خاتمه دهند» (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۴۸۴).

محمد پرویز مدیر روزنامه «ناطق» در زمان تأسیس جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان به عضویت هیئت‌مدیره موقت این جمعیت انتخاب شد و حتی روزنامه «ناطق» به‌عنوان ارگان این جمعیت انتخاب شد. او از مخبر فرهمند حمایت می‌کرد؛ که همین رویکرد باعث نگارش مقالاتی علیه او در جراید همدان شد (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۱، ۱۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۲). البته با توجه به آزادی انتخابات نمی‌توان بر او چندان ایراد گرفت؛ ولی تعجب اینجاست که چگونه برخلاف رویکرد جمعیت طرفداران جبهه ملی حرکت کرده بود؟! این روش روزنامه را شاید بتوان در منافع محلی و ارتباطات مدیر آن با خوانین و آیت‌الله بنی‌صدر دانست که با اهداف کلان کشوری و جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان همخوانی نداشت.

با شدت گرفتن انتقادات از مخبر فرهمند، ایشان از کاندیداتوری همدان انصراف داد. با کناره‌گیری مخبر فرهمند، آیت‌الله بنی‌صدر هم که از او حمایت می‌کرد خود را از عرصه انتخابات کنار کشید و به تهران رفت (ساکما، ۹۱/۲۸۰/۳۸۴). بدین ترتیب می‌توان گفت طرفداران جبهه ملی موفق شدند یکی از رقبای مورد حمایت خوانین را به انصراف وادار کنند.



۵. حزب توده و انتخابات

حزب «توده» همدان که از منتقدان نهضت ملی‌کردن صنعت نفت و دولت مصدق بود، ضمن پخش اعلامیه کمیته مرکزی حزب «توده» ایران درباره انتخابات دوره هفدهم در سطح شهر همدان، به بیان دیدگاه‌ها و اعلام شرایط کاندیداها پرداخت و دولت و طرفداران جبهه ملی را به وابستگی به استعمار انگلیس متهم کرد و در این اعلامیه آزادی انتخابات را زیر سؤال برد: «... هیئت حاکم می‌خواهد بر سلطه اختناق‌آور خویش بر ملت ما برای دو سال دیگر به یک مجلس تحمیلی دیگر رنگ قانونی بدهد... دولت مصدق می‌خواهد پیش از آخرین سازش‌های فضاخت‌بار او در مسئله نفت آشکار گردد کار «انتخابات» را مخصوصاً در نواحی شمالی خاتمه دهد و عوامل انگلیسی می‌کوشند قبل از انتخابات موجبات تضعیف و سقوط این حکومت امریکایی را فراهم آورند تا شاید منافع اربابان خود را در انتخابات دوره هفدهم بیشتر تأمین کنند...» (ساکما، ۲۹۰/۷۳۵۸).

محسن روزنامه‌فروش، حسن آریاپور و احمد نیک‌طلب در ۱۳۳۰ش اعلامیه‌هایی را به نام «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» در شهر همدان توزیع کردند که موجب دستگیری آن‌ها شد (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۵). در دوم دی‌ماه هفت تن از اعضای حزب توده برای نامن کردن فضای انتخابات به قریه مهاجران رفتند و ضمن تبلیغ از عده‌ای از روستاییان به عناوینی و جوهراتی جمع‌آوری کردند و با چاقو به مأموران ژاندارمری حمله کردند که این حرکت موجب ناامنی در این روستا شد (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۵۱).

«طرفداران صلح» یکی دیگر از محافل وابسته به حزب «توده» نیز در این ایام فعالیت خود را بیشتر کرد و هر شب در منزل یکی از هواداران یا «خانه صلح» اجتماع می‌کرد و به تبلیغ حزب «توده» و مخالفت با دولت می‌پرداخت. اعضای «خانه صلح» برای اجرای برنامه‌های خود از بین محصلان و جوانان عضوگیری می‌کردند و با توجه به اینکه تعدادی از محصلان روستایی بودند از وجود آنان برای تحریک رعایا یا پخش اعلامیه استفاده می‌کردند (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۴۹) و حتی آنان را به فعالیت علیه دولت و ادارات وامی‌داشتند: «صلح‌دوستان عزیز تا کی زیر بار این خون‌خواران ادارات باید باشیم؟! بیایید باهم متحد شویم» (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۰/۳۰). حزب «توده» همدان از برگزاری گردهمایی در میدان‌های شهر غافل نبود. مهدی بکتاش از اعضای برجسته حزب «توده» همدان با سخنرانی در میدان مرکزی شهر متذکر شد: «تعلیمات اجباری که مدت‌هاست باید در این کشور اجرا گردد چرا تا به حال عملی نشده [است؟!]. آیا غیر از این است که وکلا نخواستند و دستور داشتند که نگذارند این برنامه اجرا گردد... این وکلا خائن و وطن‌فروش بودند» (فریاد همدان، س ۱، ش ۱۵، ۲۲ اسفند ۱۳۳۰، ص ۲). در ۱۱ بهمن ۱۳۳۰ اجتماع دیگری



به‌رهبری مهدی مکاره‌چی، احمد سردرودیان، محمد اعتماد، و عبدالله مشعلیان از اعضای «خانه صلح» همدان در میدان بوعلی برگزار شد. سردرودیان در سخنرانی خود در این اجتماع به دولت، سیدحسن تقی‌زاده، و رئیس مجلس سنا اهانت کرد که موجب تظاهرات عده‌ای علیه او و حزب «توده» شد که با واکنش سریع مأموران شهربانی از صدمه و کشتار افراد جلوگیری شد (ساکما، ۲۹۰/۵۷۲۱).

با ادامه فعالیت‌های مخرب حزب «توده»، کمیسیون امنیت با حضور احمد جهان‌سوز، فرماندار همدان، و مقامات نظامی و انتظامی در ۲۳ فروردین ۱۳۳۱ در فرمانداری همدان برگزار شد و در آن موارد زیر مصوب و برای اجرا ابلاغ شد:

۱- مأمورین انتظامی بیشتر رفتار افراد جمعیت هواداران صلح را تحت نظر بگیرند و اسامی افراد مذکور با تعیین مشاغل آنها تهیه و به فرمانداری ارسال [شود] تا در کمیسیون امنیت تصمیم لازم و مقتضی اتخاذ گردد.

۲- مقرر گردید ادارات شهربانی و ژاندارمری و پادگان با استفاده از سوابقی که در آنجا موجود است و کسانی که سابقه همکاری و عضویت در حزب «توده» داشته‌اند [اطلاعاتی را] به فرمانداری ارسال دارند که در کمیسیون امنیت مطرح گردد.

۳- ارسال رونوشت بخشنامه شماره ۱۸۶۶۴-۱۳۳۱/۱/۱۴- وزارت کشور راجع به حفظ انتظامات در مورد انتخابات به ادارات شهربانی، ژاندارمری و پادگان.

۴- باتوجه به ایام انتخابات در همدان لازم است در دادن پروانه اسلحه شکاری مطالعه بیشتری به عمل آید و پروانه اسلحه شکاری پس از موافقت کمیسیون امنیت صادر گردد» (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۱۱).

به‌طور کلی حزب «توده» همدان چهار هدف را در انتخابات دنبال می‌کرد: اول: پیشبرد برنامه‌های حزب «توده» ایران و جذب هواداران بیشتر در شهر و روستا با تبلیغ بین اقشار مختلف به‌ویژه جوانان؛ دوم: تخریب اقدامات دولت و زیرسؤال بردن عملکرد مدیران محلی؛ سوم: تلاش برای عدم انتخاب خوانین و ملاکین و یا افراد مورد حمایت آنان به نمایندگی مجلس؛ چهارم: تخریب روحانیون البته به شکل خیلی خزنده و محتاط. حزب «توده» برای اجرای برنامه‌های خود سعی می‌کرد از طیف گسترده دانش‌آموزان و فرهنگیان استفاده کند؛ چون تأثیرگذاری بیشتری داشتند. حزب «توده» به دلیل وجود جمعیت طرفداران جبهه ملی، فعالان سیاسی و مذهبی، و فعالیت جراید، و غیرقانونی بودن این حزب، در برنامه‌های خود چندان توفیقی نیافت (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۵؛ ۲۹۰/۷۳۵۸).



۶. انجمن نظارت بر انتخابات

سی و پنج نفر از کسانی که به قیدقرعه برای اجرای ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس شورای ملی در همدان انتخاب شده بودند به همراه ۹ نفر از اعضای اصلی و ۹ نفر اعضای علی‌البدل انجمن نظارت انتخابات همدان در ۱۰ بهمن ۱۳۳۰ در سالن فرمانداری همدان حضور یافتند. از مدعوین فقط آیت‌الله آخوند ملاعلی حضور نداشت. پس از سخنان فرماندار اخذ آراء در حضور مدعوین و بازرسان انتخاباتی شروع شد و اعضای انجمن نظارت بر انتخابات مشخص شدند (روزنامه‌اندای میهن، س ۱، ش ۱۵، ۵۲، ۱۳۳۰، ص ۳).

بلافاصله بعد از انتخاب انجمن نظارت بر انتخابات اعتراضات شروع شد و کسانی که به انجمن راه نیافته بودند بنای مخالفت را گذاشتند. مخالفان در تلگراف‌خانه تحصن کردند و اعلامیه‌هایی در مخالفت با اعضای انجمن صادر کردند؛ هم‌چنین با ارسال تلگراف‌های اعتراضی به تهران و اعزام نماینده به مرکز متوسل شدند (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۴، ۱۵ اسفند ۱۳۳۰، ص ۱). از آنجاکه شیوه انتخاب اعضای انجمن قانونی بود، اعتراض آنان به جایی نرسید؛ ولی مخالفان طرح دیگری را رقم زدند و آن هم نفوذ در اعضای انجمن و به تأخیر انداختن انتخابات بود؛ شاید از این راه بتوانند به اهداف خود برسند. ولی آنچه بیشترین ضربه را به انجمن نظارت زد ناکارایی آن بود: به طوری که برای برگزاری انتخابات چندین نوبت تصمیم خود را تغییر داد و حتی در مرحله‌ای آگهی انتخابات را چاپ و محل اخذ آراء را مشخص کرد، ولی در آخرین لحظه در حالی که مردم به محل‌های اعلام شده مراجعه می‌کردند از تصمیم خود منصرف شد و برگزاری انتخابات را به زمان دیگری موکول کرد. همین اعمال زمینه انحلال این انجمن و موفقیت مخالفان را هموار کرد (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۴، ۱۵ اسفند ۱۳۳۰، ص ۱). در ۱۷ فروردین ۱۳۳۱ سلیمان خسروی (بازرس وزارت کشور) با بیان اینکه موظف است از هرگونه مداخله، تطمیع و تهدید جلوگیری کند، حکم انحلال انجمن نظارت بر انتخابات همدان را به علت تعلل در اتخاذ تصمیم و تبانی به سود کاندیداهای معین صادر کرد و راجع به تشکیل انجمن جدید اعلام کرد که حداقل تا مدت ۱۱ روز دیگر مقدمات آن فراهم خواهد شد (روزنامه‌اندای میهن، س ۲، ش ۸، ۲۴ فروردین ۱۳۳۱، صص ۱-۲). در تمام این مدت احمد جهان‌سوز، فرماندار همدان، سعی داشت تا بی‌طرفی را رعایت کند. ایشان که مدتی برای انجام امور اداری به تهران رفته بود، روز ۴ اردیبهشت ۱۳۳۱ در میان استقبال مردم و رؤسای دولتی به همدان بازگشت: «مردم از مراجعت فرمانداری که در مدت کوتاه خدمت خود در همه حال بی‌طرفی و بی‌نظری را رعایت کرده بود فوق‌العاده خوشحال بودند؛ چراکه ایشان در مقابل متجاوزین به حقوق اهالی و مردم ایستادگی کرده بود. حقیقت این است که پس از رفتن

او اهالی و مردم بیم داشتند که مبدا کسانی که در انتخابات رأی نمی آورند امنیت شهر را به هم بزنند؛ چون نتوانستند از معرفی کاندیدای خود به نام [کاندیدای] دولتی نتیجه بگیرند» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۲).

احمد جهان سوز بار دیگر به برگزاری سالم انتخابات و بی طرفی خود و دولت تأکید کرد و اعلام داشت که ادعای کاندیدای دولت بودن و امثال اینها کذب محض است. او در ادامه بیان داشت: «... من از همه تهدیدات و تطمیعها از میدان درنرفتم و ایستادگی کردم تا با فراهم کردن وسایل آزادی و امنیت وظیفه‌ای [را] که دولت به عهده من گذاشته به بهترین وجه انجام دهم» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۲). بعد از سخنرانی فرماندار، سید کاظم حسینی داور به نمایندگی از جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان به سخنرانی پرداخت: «ما امروز به وعده شما اطمینان قلبی یافته و امیدواریم که همان گونه که تاکنون عمل کرده‌اید با ایجاد امنیت و رعایت بی طرفی ثابت کنید که مجری دستور دولت هستید. ما اطمینان داشتیم که دولت در همدان کاندیدای معینی ندارد. خوشبختانه جناب عالی در مقابل همه دسایس مردانه استقامت کرده و ریاکاران و مردم آزاران را از انجام مقاصد خویش مأیوس کردید... شما توانستید امنیت شهر را حفظ نموده و بت «کاندید دولت بودن» و «امنیت برهم زدن» را بشکنید» (روزنامه فریاد همدان، س ۱، ش ۱۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۴).

بالاخره بعد از بازگشت فرماندار، دوباره انتخاب اعضای اصلی و علی البدل انجمن نظارت بر انتخابات همدان در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۱ انجام شد و افراد زیر: صاری اصلانی، تقی شریفی، عنایت الملک پیران، سید نصرالله بنی صدر، فتح الله خان حبیبی، حاج محمد منصور، حسن متین، حاج حسن بنکدار، و احمد ایزدی به سمت اعضای اصلی و اسماعیل داوری، حاج احمد راستی، اسماعیل اربابی، دکتر جلالی، حاج احمد زارع زاده، حاجی تقی یوسفی، فتح علی نظری، رحمت الله بنی صدر، و محمدرضا غفاری به سمت اعضای علی البدل انجمن نظارت بر انتخابات انتخاب شدند و فتح الله بنی صدر - فرزند آیت الله بنی صدر - هم به سمت نیابت این انجمن انتخاب شد (روزنامه مبارز همدان، س ۱، ش ۲۳، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۱)؛ ولی این افراد برای برگزاری انتخابات عملاً اقدامی نکردند.

۷. نتیجه

یکی از فرازهای دوره نهضت ملی و دولت دکتر مصدق برگزاری انتخابات هفدهمین دوره مجلس شورای ملی بود. همدان با شروع انتخابات صحنه فعالیت علنی و گسترده گروه‌ها و احزاب سیاسی ای شد که تا آن زمان (۱۳۳۱ش) سابقه نداشت. دسته‌جات سیاسی،



جمعیت‌ها، هیئت‌های حسینیه‌ها و سازمان‌های صنفی که قبلاً موجودیت خود را اعلام کرده بودند، در این زمان عملاً با سخنرانی، صدور اعلامیه و بیانیه هدایت افکار عمومی را به دست گرفتند. در این انتخابات طیف‌بندی اقشار جامعه از جمله تجار و بازاریان عمده تحت نفوذ اتاق بازرگانی، پیشه‌وران و صنوف، فرهنگیان، روحانیون و احزاب مشخص شد و این اقشار با حمایت از کاندیداها یا مخالفت با آنها موضع خود را در برابر نهضت ملی عیان کردند. در این دوره به طور واضح روستائیان که تا پیش از آن تحت تأثیر و آمریت خوانین بودند و بنابه سفارش آنها به افراد خاص رأی می‌دادند، با فعالیت حزب «توده» و جمعیت طرفداران جبهه ملی، مستقل از صاحبان قدرت محلی به عرصه سیاست وارد شدند و روستا به محلی برای فعالیت‌های سیاسی تبدیل شد. تمامی این تحولات متأثر از نهضت ملی بود که در آزادی مطبوعات بیشتر تجلی یافت. جراید همدان با درج مقالات متعدد و متنوع درباره انتخابات در شناخت مردم و نقد کاندیداها بسیار مؤثر بودند؛ هرچند که همه یکدست نبودند و بیشتر حالت ارگانی داشتند، ولی بر حضور جوانان تحصیل کرده و روشن فکر تأکید داشتند. جمعیت طرفداران جبهه ملی باهم هماهنگ عمل نمی‌کردند که همین رویه یکی از ضعف‌های این جمعیت محسوب می‌شد که زمینه لازم را برای فعالیت مخالفان مهیا کرد. روحانیون نیز وحدت لازم را نداشتند، چراکه اهداف اجتماعی و اقتصادی مانع از این اتحاد بود که البته فعالیت و نفوذ خوانین و مخالفان آن را دوچندان می‌کرد.

حزب «توده» نیز در پوشش جمعیت‌ها و انجمن‌های مختلف سعی می‌کرد که از فضای ایجادشده برای گسترش نفوذ خود و عضوگیری در بین اقشار مختلف جامعه، به راه‌انداختن راهپیمایی و برگزاری اجتماعات برای نمایش قدرت و به چالش کشیدن برنامه‌های دولت استفاده کند. این حزب در روستاها نیز در تلاش بود تا رعایا را علیه مالکان و خوانین بشوراند؛ البته فعالیت و عضویت خیلی از افراد در این حزب هیچ مبنای اعتقادی-فکری نداشت، بلکه به دلیل بی‌عدالتی موجود و شعارهای فریبنده حزب توده بود.

وجود اختلاف و دودستگی به دلیل فعالیت مخرب گروه‌های متفاوت و گاه متضاد در عرصه انتخابات مجلس در همدان، و تعلق انجمن نظارت بر انتخابات در برگزاری انتخابات موجب شد که انتخابات در همدان برگزار نشود و همدان از داشتن نماینده در دوره هفدهم مجلس شورای ملی محروم شود. بدین ترتیب مردم همدان در اولین انتخابات آزاد نتوانستند نتیجه لازم را به دست آورند و علت این موضوع بی‌تجربگی شخصیت‌های محلی و نبود مدیریت صحیح در بین آنها بود.

منبع

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما):
- ۲۹۰/۲/۳۲۵/۳۰؛ ۲۹۰/۲/۳۲۵/۵؛ ۲۹۰/۲/۳۲۵/۱۱؛ ۲۹۰/۲/۳۲۵/۴۹؛ ۲۹۰/۲/۳۲۵/۵۱؛ ۲۹۰/۸/۱۲۶/۱؛ ۲۹۰/۱۱/۵۵/۷؛ ۲۹۰/۱۱/۱۱۴۴؛ ۲۹۰/۵۷۲۱؛ ۲۹۰/۶۱۱۲؛ ۲۹۰/۷۳۵۸؛ ۲۹۰/۹۶۱۱؛ ۲۹۰/۰۷۰۸؛ ۲۹۰/۱۱/۵۵/۷
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان):
- ۹۱/۲۸۰/۶۸۴؛ ۹۱/۲۸۰/۴۸۴؛ ۹۱/۲۸۰/۱۹۴؛ ۹۱/۲۸۰/۱۹۳؛ ۹۱/۲۴۷/۳۵۶؛ ۹۱/۲۴۵/۴۶۸؛ ۹۱/۲۴۵/۱۶۷
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان)، ۲۹۰/۳۸۷۸: روزنامه تاریخ، «تلفن چی انگلیس»، سال ۱، شماره ۱۵، ۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان)، آرشیو تاریخ شفاهی: مصاحبه با سیداحمد حسینی ملایری، ۱۳۷۸. مصاحبه کننده ابوالفتح مؤمن.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان)، آرشیو تاریخ شفاهی: مصاحبه با سید فاضل حسینی ورکانه، ۱۳۷۸. مصاحبه کننده ابوالفتح مؤمن.
- کتابخانه ملی ایران، مخزن پایانید ۱، شماره کتاب شناسی: ۱۰۱۱۸۶۹: روزنامه فریاد همدان:
- «آقای غلامحسین خان امیری». سال ۱، شماره ۲، آذر ۱۳۳۰، صص ۱ و ۴؛
- «توصیه نامه و کالت مخبر فرهمند». سال ۱، شماره ۹، ۳ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۴؛
- «اما معنی مبارزه انتخاباتی جنگ و دشمنی نیست». سال ۱، شماره ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۶؛
- «برزین در میان شور و هیجان». سال ۱، شماره ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، ص ۱؛
- «اعلامیه مدیران جراید همدان». سال ۱، شماره ۱۰، ۱۰ بهمن ۱۳۳۰، ص ۲؛
- «انتخابات این دوره...». سال ۱، شماره ۱۱، ۱۷ بهمن ۱۳۳۰، ص ۱؛
- «انجمن نظارت انتخابات همدان». سال ۱، شماره ۱۴، ۱۵ اسفند ۱۳۳۰، ص ۱؛
- «پاسخ به نامه های تهدید آمیز و بی امضاء». سال ۱، شماره ۱۵، ۲۲ اسفند ۱۳۳۰، ص ۲؛
- «در یک جلسه انتخاباتی همدان». سال ۱، شماره ۱۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۳۱، صص ۲ و ۴.
- کتابخانه ملی ایران، مخزن پایانید ۱، شماره کتاب شناسی: ۱۰۱۳۴۰۳: روزنامه مبارز همدان:
- «بیانیه سازمان جوانان بازار». سال ۱، شماره ۱۶، ۱۹ اسفند ۱۳۳۰، صص ۱-۲؛
- «آقای بنی صدر». سال ۱، شماره ۱۸، ۱۸ فروردین ۱۳۳۱، ص ۴؛
- «انتخاب اعضای اصلی و علی البدل انجمن نظارت». سال ۱، شماره ۲۳، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۱؛
- کتابخانه ملی ایران، مخزن پایانید ۱، شماره کتاب شناسی: ۱۰۱۱۱۷۳: روزنامه ندای میهن:
- «جلسه انتخاباتی». سال ۱، شماره ۵۰، ۷ بهمن ۱۳۳۰، صص ۱-۲؛
- «اعضای انجمن نظارت انتخابات»، سال ۱، شماره ۵۲، ۱۵ بهمن ۱۳۳۰، ص ۳؛



«انحلال انجمن نظارت انتخابات»، سال ۲، شماره ۸، ۲۴ فروردین ۱۳۳۱، ص ۲.
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۱۵/۵۲.

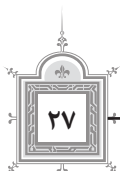
کتاب

- بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۸۰). *درس تجربه «خاطرات ابوالحسن بنی صدر»*. (حمید احمدی، مترجم). برلین: انقلاب اسلامی.
- دهنوی، محمد. (۱۳۶۳). *مجموعه‌ای از مکتوبات و پیام‌های آیت‌الله کاشانی*. (ج ۵). تهران: چاپخش.
- سهرابی، محمد. (۱۳۹۴). *کرسی‌های مادستان در بهارستان: نمایندگان استان همدان در ادوار مجلس (مشروطه و انقلاب اسلامی)*. همدان: نبی اکرم (ص).
- شجیعی، زهرا. (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: سخن.
- شهبازی، عبدالله. (۱۳۸۷). *کودتای بیست‌وهشت مرداد؛ چند گزارش مستند*. تهران: روایت فتح.
- صفائی، ابراهیم. (۱۳۷۱). *اشتباه بزرگ ملی شدن نفت*. تهران: کتاب سرا.
- عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ج ۱). تهران: گفتار.
- قشقایی، محمدناصر. (۱۳۶۶). *سال‌های بحران: خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی*. (نصرالله حدادی، کوشش گر). تهران: رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون). (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران*. (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۲۰۷.
- مؤمن، ابوالفتح. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در همدان*. (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مؤمن، ابوالفتح. (۱۳۹۰). *دریچه‌ای به تاریخ معاصر ایران*. تهران: سوره مهر.
- نظری، منوچهر. (۱۳۸۸). *رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- مقاله
- اذکایی، پرویز. (۱۳۶۷). «قراگول‌های همدان (بهره دوم) (بخش سوم): خاندان امیرافخم شورینی». *مجله آینده*، سال ۱۴، شماره ۶-۸.

English Translation of References

Documents

Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) National Library and Archives Organization of
Iran), Maxzan-e peyāyand 1, Bibliographic number: 1011869: Ruznāme-ye
Faryād-e Hamedān:



- “Ammāma’ni-ye mobāreze-ye entexābāti-ye jangvadošmaniniš”* (But campaigning does not mean war and enmity), 1st year, issue 10, 10 Bahman 1330 / 31 January 1952, pp. 1 – 6; [Persian]
- “Anjoman-e nezārat-e entexābāt-e Hamedān”* (Hamedan election monitoring association), 1st year, issue 14, 15 Esfand 1330 / 6 March 1952, p. 1; [Persian]
- “Āqā-ye Qolām Hossein Xān-e Amiri”* (Mr. Gholam Hossein Khan Amiri), 1st year, issue 2, 7 Azar 1330 / 29 November 1951, pp. 1 & 4; [Persian]
- “Barzindarmiyān-e šurvahayejān”* (Barzin amidst the excitement), 1st year, issue 10, 10 Bahman 1330 / 31 January 1952, p. 1; [Persian]
- “Dar yekjalase-ye entexābāti-ye Hamedān”* (In an election session in Hamedan), 1st year, issue 17, 4 Ordibehesht 1331 / 24 April 1952, pp. 2 & 4; [Persian]
- “E’lāmiye-ye modirān-e jarāyed-e Hamedān”* (Announcement of Hamedan Press Managers), 1st year, issue 10, 10 Bahman 1330 / 31 January 1952, p. 2; [Persian]
- “Entexābāt-e in dowre ...”* (Elections of this period ...), 1st year, issue 11, 17 Bahman 1330 / 7 February 1952, p. 1; [Persian]
- “Pāsox be name-hā-ye tahdid-āmizva bi-emzā”* (Reply to threatening and unsigned letters), 1st year, issue 15, 22 Esfand 1330 / 13 March 1952, p. 2; [Persian]
- “Tosiye-nāme-ye vekālat-e Moxber-e Farahmand”* (Advocacy letter of Mokhber Farahmand), 1st year, issue 9, 3 Bahman 1330 / 24 January 1952, pp. 1 – 4. [Persian]
- Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā)(National Library and Archives Organization of Iran), Maxzan-e peyāyand 1, Bibliographic number: 1013403: Ruznāme-ye Mobārez-e Hamedān:
- “Āqā-ye Banisadr”* (Mr. Banisadr), 1st year, issue 18, 18 Farvardin 1331 / 7 April 1952, p. 4; [Persian]
- “Bayāniye-ye sāzmān-e javānān-e bāzār”* (Statement of the youth market organization), 1st year, issue 16, 19 Esfand 1330 / 10 March 1952, pp. 1 – 2; [Persian]
- “Entexāb-e a’zā-ye asliva ‘al-al-badal-e anjoman-e nezārat”* (Election of the main and alternate members of the Supervisory Board), 1st year, issue 23, 21 Ordibehesht 1331 / 11 May 1952, p. 1. [Persian]
- Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā)(National Library and Archives Organization of

Iran), Maxzan-e peyâyand 1, Bibliographic number: 1011173: Ruznâme-ye Nedâ-ye Mihan:

“*A’zâ-ye anjoman-e nezârat-e entexâbât*” (Members of the election monitoring association), 1st year, issue 52, 15 Bahman 1330 / 5 February 1952, p. 3; [Persian]

“*Enhelâl-e anjoman-e nezârat-e entexâbât*” (Dissolution of the election monitoring association), 2nd year, issue 8, 24Farvardin 1331 / 13April 1952, p. 1; [Persian]

“*Jalase-ye entexâbâti*” (Electoral meeting), 1st year, issue 50, 7 Bahman 1330 / 28 January 1952, pp. 1 – 2. [Persian]

Ketâb-xâneh, MuzevaMarkaz-e Asnâd-e Majles-e Šorâ-ye Eslâmi (Kemâm) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament): 15/52.[Persian]

Sâzmân-e AsnâdvaKetâbxâne-ye Melli-ye Irân (Sâkmâ)(National Library and Archives Organization of Iran):

290/2/320/30; 290/2/325/5; 290/2/325/11; 290/2/325/49; 290/2/325/51; 290/8/126/1; 290/11/55/7; 290/1144; 290/5721; 290/6112; 290/7358; 290/9611; 298/00708.[Persian]

Sâzmân-e AsnâdvaKetâbxâne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SâkmâHamedân) (National Library and Archives Organization of Iran):

91/245/167; 91/245/468; 91/247/356; 91/280/193; 91/280/194; 91/280/484; 91/280/684.[Persian]

Sâzmân-e AsnâdvaKetâbxâne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SâkmâHamedân) (National Library and Archives Organization of Iran): 290/3878; Ruznâme-ye

Târix, “*Telefonçi-ye Engelis*” (Operator of England), 1st year, issue 15, published in 7 Bahman 1330 / 28 January 1952, p. 3.[Persian]

Sâzmân-e AsnâdvaKetâbxâne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SâkmâHamedân) (National Library and Archives Organization of Iran): Āršiv-e Târix-e Šafâhi:

“*MosâhehbâSeyyed Ahmad Hosseini Malâyeri*” (Interview with Seyed Ahmad Hosseini Malayeri), 1378 / 1999. Interviewed by AbolfathMomen.[Persian]

Sâzmân-e AsnâdvaKetâbxâne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SâkmâHamedân)(National Library and Archives Organization of Iran): Āršiv-e

Târix-e Šafâhi: “*MosâhehbâSeyyedFâzelHasaniVarkâneh*” (Interview with

SeyedFazelHasaniVarkaneh), 1378 / 1999. Interviewed by AbolfathMomen.[Persian]

Books

- Agheli, Bagher. (1380/2001). *“Ruz-šomār-e tārix-e Irānazmašrutehtāenqelāb-e eslāmi”* (vol.1). Tehran: Goftār. [Persian]
- Banisadr, Abolhassan. (1380/2001). *“Dars-e tajrobeh: Xāterāt-e Abolhassan-e Banisadr”* (The lesson of experience: The memoir of AbolhasanBanisadr, the first president of Iran). Edited by Hamid Ahmadi. Berlin: Enqelāb-e Eslāmi. [Persian]
- Dehnavi, Mohammad. (1363/1984). *“Majmou’-e-eazmaktubātvapayām-hā-ye ĀyatollāhKāšāni”* (A collection of letters and messages from Ayatollah Kashani) (vol. 5). Tehran: Čāpaxš.[Persian]
- Ghashghayi, Mohammad Naser. (1366/1987). *“Sāl-hā-ye bohrān: Xāterāt-e ruzāne-ye Mohammad Nāser-e SowlatQašqāyi”* (Years of crisis: Daily memoirs of Mohammad Nasser SolatQashqaei). Edited by Nasrollah Haddadi. Tehran: Rasā. [Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali (Homayun). (1372/1993). *“Eqtesād-e siāsi-ye”* (Political economics in Iran from constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi &KambizAzizi. Tehran: Našr-e Markaz. [Persian]
- “Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli”* (Detailed discussions of the National Assembly), term 16, session 207.[Persian]
- Momen, Abolfath. (1386/2007). *“Enqelāb-e eslāmidarHamedān”* (Islamic revolution in Hamedan) (vol. 1). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Momen, Abolfath. (1390/2011). *“Dariče-ee be tārix-e mo’āser-e Irān”* (A glimpse into the contemporary history of Iran). Tehran: Sure-ye Mehr. [Persian]
- Nazari, Manouchehr. (1388/2009). *“Rejāl-e pārlemāni-ye Irānazmašrutehtāenqelāb-e eslāmi”* (Iranian parliamentarians from the Constitution to the Islamic Revolution). Tehran: Farhang-e Mo’āser.[Persian]



- Safae, Ebrahim. (1371/1992). *“Eštabāh-e bozorgmellišodan-e naft”* (The big mistake of nationalization of the Iranian oil industry). Tehran: Ketābsarā.[Persian]
- Shahbazi, Abdollah. (1387/2008). *“Kudetā-ye bist-o hašt-e mordād; čandgozāreš-e moštanad”* (The coup d'état of Mordad 28th, 1332 / August 19th, 1953; Several documented reports). Teran: Ravāyat-e Fath.[Persian]
- Shajiee, Zahra. (1372/1993). *“Noxbegān-e siāsi-ye Irānazenqelāb-e mašrutiyattāenqelāb-e eslāmi”* (Iran's political elite from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution). Tehran: Soxan.[Persian]
- Sohrabi, Mohammad. (1394/2015). *“Korsi-hā-ye Mādestāndarbahārestān: Namāyandegān-e ostān-e Hamedāndaradvār-e majles (Mašrutehvaenqelāb-e eslāmi)”* (Madestan seats in Baharestan: Representatives of Hamadan province during the parliamentary terms (Constitution and Islamic Revolution)). Hamedān: Nabi-ye Akram (PBUH).[Persian]

Articles

- Azkayi, Parviz. (1367/1988). “Qaragozlu-hā-ye Hamedān (Bahre-ye dovvom) (Baxš-e sevvom): Xāndān-e Amir Afxam-e Šurini” (The QarahGozlus of Hamedan (second section) (third part): AmirafakhmShurini family). *Majalle-ye Āyandeh*, 14(6 - 8).[Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی